

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت توکل از منظر آیات و روایات

* مرضیه آذرنیوشان

چکیده

همیشه راه حق از تنگناهایی عبور کرده است که اصلاً امیدی به گذشتن از آنها نبوده است، گویی خدا خواسته است در کمترین احتمال و با کمترین امکانات حق به پیروزی برسد و جهان را طوری مدیریت کند که همیشه انسان‌ها وابسته به خودش باشد و به ابزارها وابسته نشوند. این حقیقت پیامی دارد به بشری که می‌خواهد هم در دنیا و هم در آخرت سعادت‌مند شود. انسان می‌خواهد مستقیماً برود به سراغ آنچه که فکر می‌کند خیر و صلاحش در آن است و خودش انتخاب می‌کند که خیر و صلاحش در آن است. آنگاه هیچ در فکر وظیفه نیست که خدا برای او چه وظیفه‌ای مشخص کرده است. پس بیم آن است که رفته رفته مسئولیت خویش را در برابر پروردگار به فراموشی بسپارد. از مقام یک انسان با ایمان تنزل پیدا کند و مانند یک انسان مادی، ابزارها در نظر او پررنگ شود بلکه نقش اصلی را بازی کنند. در نتیجه از نقش خالق خود در سعادت و خوشبختی غافل شود و در مسلمانی خود حیران ماند. در این نوشتار موضوع توکل به خدا از زوایای مختلف مورد ارزیابی و دقت قرار گرفته است و براساس متون آیات و روایات نقش توکل در رسیدن انسان به آرامش و رستگاری حقیقی بیان شده است اما بدینوسیله جامعه برای دست شستن از نگاه تماماً ابزاری و حرکتش به سمت نگاه توحیدی آماده شود. باشد که انسان در برابر خالق یکتا متعهد انجام وظیفه شود. به جای اندیشیدن به سرنوشت خود، در مورد مسئولیت‌ها و تعهدهای الهی خود اندیشه کند تا رستگاری حقیقی حاصل شود.

کلیدواژه‌ها: توکل، ایمان، اهمیت و ضرورت، آیات و روایات

مقدمه

معنای حقیقی توکل این است که شخص مطمئن باشد که غیر از خواست خدا، کسی نمی تواند نفع یا ضرری به او رساند یا او را از رسیدن به چیزی منع کند یا چیزی به او بدهد و به طور کلی از مخلوقات مایوس گردد. توکل تسلیم بودن به خواسته های حق و اعتماد صد در صد به قدرت و کارگشای او و او را در همه ی امور زندگی وکیل و کارگزار گرفتن است. انسان هنگامی که به طور جدی به خدا اعتماد کند و حضرت او را وکیل خود بگیرد، یقیناً آن محبوب مهربان و آن قادر مشکل گشا همه ی زمینه های مادی و معنوی و انسانی را به گونه ای به نفع انسان هماهنگ می کند که امور در جریان اصلی خود قرار می گیرد و هر کاری در جهت منافع مشروع انسان پیش می رود.^۲

توکل یک امر قراردادی نیست و یک امر ذهنی محض هم نیست که انسان در ذهنش بگوید: من توکل کردم. توکل در واقع معنایش این است که انسان در کارهای خودش فقط امر خدا را در نظر بگیرد، طاعت خدا را در نظر بگیرد، وظیفه را در نظر بگیرد و در سرنوشت خودش اعتماد به خدا کند. انسان هر تلاشی که می کند به منظور این است که سرنوشت و وضع خودش را خوب کند. انسان بالفطره طالب خوشی و سعادت خودش است. پس تلاش خود انسان برای خوشبخت شدن است.^۳

در مقاله ی حاضر توکل و اعتماد به خدا در امور نه تنها به عنوان یک ویژگی سودمند در کنار آمدن با مشکلات و مقاومت در برابر یأس و نومیدی معرفی شده است بلکه با استفاده از آیات و احادیث معتبر مربوطه توکل از ویژگی های اصلی مومنین به شمار می رود. در این مقاله توکل به خدا تعریف شده است و ابعاد اصلی آن مورد بررسی قرار گرفته است. بعلاوه ویژگی های متوکلین و بحث از ضرورت در زندگی انسان و رابطه ی ایمان با توکل پرداخته شده است.

طبیعتاً بحث توکل به خدا همانطور که از اسمش پیدا است تاریخچه ای به قدمت پیامبران الهی دارد. در آیات قرآن مجید، به ویژه در تاریخ انبیاء صفت توکل به عنوان یکی از بارزترین صفات آنها در طول تاریخ مشاهده می شود که همواره در برابر حوادث سخت، مشکلات طاقت فرسا و دشمنان بی رحم اعتمادشان بر خدا و تکیه گاهشان ذات پاک او بوده است، و از وابستگی و اعتماد بر ما سوی الله مبری بوده اند. هنگامی که نوح علیه السلام در برابر دشمنان نیرومند و لجوج و متعصب قرار گرفت، با اعتماد به خداوند و توکل بر ذات پاکش در برابر همه ی آنان مقاومت کرد. همچنین آیات قرآن اشاره به گوشه ای از سرگذشت ابراهیم علیه السلام و توکل او بر خدا در یکی از مشکل ترین ساعات زندگانش می کند. اگر ایمانی همچون کوه و دلی همچون دریا

۱. ملازاده تقی پور، تقدیرات، صص ۱۱۱-۱۱۰

۲. انصاریان، زیبایی های اخلاق، ص ۳۶۴

۳. واحد تحقیقات موسسه فرهنگی هنری جام طهور، دائرة المعارف طهور: اصول عقاید، ص ۱۰۶۱

و توکلی در سطح بسیار بالا نباشد، ممکن نیست انسان همسر و فرزند دلبند شیرخواره اش را در سرزمینی خشک و سوزان و بی آب و علف تنها برای امتثال فرمان خدا رها کند و از آنجا به وطن خویش بازگردد. ماجرای شعیب پیامبر سپس یعقوب جدّ والای بنی اسرائیل، ماجرای موسی علیه السلام و بنی اسرائیل و بعد از آن طالوت پیامبر و در آخر سخن از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مقام توکل اوست، در آن هنگام که در برابر مشکلات سخت قرار داشت و خداوند به او تعلیم داد چگونه بر مشکلات پیروز گردد. این حوادث نشان می دهد که انسان هرچقدر تنها باشد اگر توکل بر خدا داشته باشد، مشکلی ندارد. چرا که خداوند ربّ عرش عظیم و دارای قدرت بی نظیر است.^۱ به همین علت به تهیه ی پژوهش حاضر پرداخته شد که تاکید گردد بندگان متوکل در پناه قدرتی هستند که قدرت های ناچیز بندگان در مقابل آن اثری ندارد. جایی که عرش و عالم بالا با آن همه عظمتی که دارد در قبضه ی قدرت اوست. توکل در اسلام از اهمیت والایی برخوردار است. آیات و روایات توکل، حاکی از اهمیت توکل بلکه ضرورت آن است. علاوه بر آیات و روایات؛ عقل سلیم نیز چنین ضرورتی را تصدیق می کند. چرا که پس از شناخت صحیح خداوند و علم و قدرت و رحمت بی نهایت الهی هر عقل سلیمی حکم به ضرورت تکیه بر خالق عالم، قادر و مهربان خواهد کرد.

با بررسی پیشینه ی تحقیق مورد نظر، برخی از مقالات جنبه جامعیت در بحث مورد نظر داشته و همچنین تمامی مقالات در این باره از منظر احادیث و آیات قرآن کریم بوده است ولی برخی از مقالات، جامعیت کافی نداشته بلکه یکی از آثار توکل در زندگی را به طور مفصل مورد بحث و ارزیابی قرار داده است. مقاله ی حاضر نیز همانند سایر مقالات جنبه ی تک بعدی ندارد. تمامی ابعاد موضوع به صورت اجمالی از منظر آیات و روایات با نگاهی نو مورد بررسی قرار گرفته است.

روش مطالعه و جمع آوری مطالب تحقیق ابتدا به صورت بررسی و گردآوری آیات و روایات موردنظر از سایت های معتبر علوم قرآنی و جمع آوری تفاسیر آنها به طور مفصل بوده است. سپس زندگینامه ی برخی انسان های متوکل جمع آوری شده و آیات و روایات در ابعاد مختلف موضوع موردنظر دسته بندی و پردازش شده اند.

پژوهش حاضر در سه محور به بررسی اهمیت توکل از منظر آیات و روایات اشاره دارد:

۱. مفهوم شناسی

۲. اهمیت و ضرورت توکل از منظر آیات و روایات

۳. آثار توکل از منظر آیات و روایات

۱. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، صص ۲۶۷-۲۵۹

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- توکل در لغت

«توکل» از وکاله است^۱ و به دو صورت بیان می شود:

۱- توکلت^۲ له: به معنای ولایت پذیری است. «ولایت او را پذیرفتم».

۲- توکلت^۳ علیه: به معنای اعتماد کردن به دیگران است.^۴ «به او اعتماد دارم».

آنچه مورد نظر ما در این نوشته است و عموم مردم به آن توجه دارند معنای دوم است که در تعبیر اهل علم به مفاهیم دیگری نیز تبیین شده است. مانند: قبول وکالت^۵ و تفویض کارها به دیگران.^۶

توکیل به معنای نایب گرفتن غیر است.^۷

۱-۲- مفهوم توکل

توکل یک امر قراردادی نیست و یک امر ذهنی محض هم نیست که انسان در ذهنش بگوید: من توکل کردم. توکل در واقع معنایش این است که انسان در کارهای خودش فقط امر خدا را در نظر بگیرد، طاعت خدا را در نظر بگیرد، وظیفه را در نظر بگیرد و در سرنوشت خودش اعتماد به خدا کند. انسان اگر با خدا سر و کار نداشته باشد، چکار می کند؟ انسان هر تلاشی که می کند به منظور این است که سرنوشت و وضع خودش را خوب کند. انسان بالفطره طالب خوشی و سعادت خودش است. این همه فعالیت ها و تلاش هایی که مردم می کنند برای چیست؟ همه برای این است که انسان می خواهد خودش را خوشبخت و خوشبخت تر کند. پس تلاش خود انسان برای خوشبخت شدن است. اگر آمدند برای انسان وظیفه قرار دادند، آن وقت انسان کاری را می خواهد انجام بدهد به چه منظور؟ چون وظیفه و تکلیف است. من وظیفه خودم را انجام می دهم. حالا که من می خواهم وظیفه خودم را انجام بدهم تکلیف سرنوشت چه می شود؟ تکلیف آن آینده سعادت بخش من چه می شود؟ من یک وقت کار می کنم برای اینکه به خوشبختی برسم، خودم تقریباً به خوشبختی خودم چسبیده ام و خودم خوشبختی خودم را متعهد شده ام. اما اگر انسان بخواهد در همه مسائل این طور فکر کند که من ببینم وظیفه من چیست و خدا در اینجا از من چه می خواهد، یک نوع جدایی می افتد میان کاری که انسان

۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۸۳

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۲

۳. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۱۹۲

۴. جهامی، موسوعه مصطلحات الفلسفه، ص ۲۳۸

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۲

خواهد بود: «وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ... وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ! از کافران و منافقان پیروی مکن... و بر خداوند توکل کن». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ! «کسی که دوست دارد قوی ترین مردم باشد بر خدا توکل کند».

۳-۳- ترک گناه

کسی که به خدا اعتماد کرده باشد، چون خود را در حضور خدا می بیند، از انجام گناه احساس شرم می کند. احساس نیاز هم به گناه نمی کند، زیرا خود را دارای سرمایه عظیمی می داند که دنیا و آخرت او را تأمین می نماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۳ «شیطان بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل کرده اند تسلطی ندارد».

۳-۴- عدم احساس یأس و نومیدی

خدای متعال می فرماید: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^۴ ای رسول! هر گاه مردم از تو روی گردانیدند بگو خدا مرا کفایت می کند که جز او خدایی نیست و من بر او توکل کرده ام و او پروردگار عرش عظیم است».

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان». همچنین توکل دارای آثار و برکاتی چون سخاوت‌مندی، بلند همتی و... می باشد که در آیات و روایات متعدد به آنها اشاره گردیده است...^۵.

پس بالاترین ارزش در زندگی این انسان در کارش استعانت از خداوند بجوید، در کارش توکل به خدا کند، واگذار کند به خدا نگرانی، افسردگی، ترس از حسود، اضطراب، ترس از آینده دیگه سراغ نمی آید حالا حقوق کم شد، جابجا شد، ترس از آینده اینها نگرانش نمی کند این معنای وکیل گرفتن خداست.^۶

۳-۵- آسایش در زندگی

۱. احزاب، آیه ۴۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۱

۳. نحل، آیه ۹۹

۴. توبه، آیه ۱۲۹

۵. حائری (یزدی)، آشنایی با اخلاق اسلامی، صص ۳۳-۳۲

۶. هاشم زاده، شرح وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابوذر (علیه السلام)، ص ۱۳۳

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «هر کس بر خدا توکل کند سختی ها برای او نرم و آسان و اسباب و وسیله ها برایش فراهم شود و در راحت و وسعت و کرامت جای گیرد [و زندگیش به راحتی و آسایش گذرد]»^۱.
امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَضَاءَتْ لَهُ الشُّبُهَاتُ وَ كَفِيَ الْمَوْنَاتُ وَ أَمِنَ التَّبِعَاتِ»؛ «هر کس بر خداوند سبحان توکل کند شبهه ها برایش روشن گردد و آن چه لازم دارد کفایت شود و از رنج ها و گرفتاری ها مصون بماند»^۲.

این احادیث با صراحت دلالت می کند بر این که شخص متوکل بر این گونه عوامل و مشکلات فائق و غالب آید. از این رو، طَیْرَه (فال بد) که یکی از خاطرات درونی و عوامل منفی است که در روحیه بسیاری از افراد بازتاب های منفی ایجاد می کند و مانع از فعالیت می گردد در نفوس انسان های متوکل اثر نمی گذارد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «طیره [فال بد زدن شرک است و هیچ یک از ما نیست جز این که به آن مبتلا است اما خدا به وسیله توکل [شومی آن را از بین می برد]»^۳.

۱. تمیمی آمدی، شرح غررالحکم: ج ۵ / ص ۴۲۵.

۲. فهرست غررالحکم: ص ۴۱۸، شماره ۸۹۸۵

۳. مهدوی کنی، اخلاق عملی، ص ۱۷۹

نتیجه گیری

توکل در واقع معنایش این است که انسان در کارهای خودش فقط امر خدا را در نظر بگیرد، طاعت خدا را در نظر بگیرد، وظیفه را در نظر بگیرد و در سرنوشت خودش اعتماد به خدا کند.

بادبان کشتی نجات بخش انسان توکل است، حقیقتی که قرآن و روایات انسان را برای حل مشکلات و تقویت روح و آسان شدن زندگی و ادامه ی حیات دینی به آن دعوت می کنند. توکل تسلیم بودن به خواسته های حق و اعتماد صد در صد به قدرت و کارگشای او و او را در همه ی امور زندگی وکیل و کارگزار گرفتن است. انسان هنگامی که به طور جدی به خدا اعتماد کند و حضرت او را وکیل خود بگیرد، یقیناً آن محبوب مهربان و آن قادر مشکل گشا همه ی زمینه های مادی و معنوی و انسانی را به گونه ای به نفع انسان هماهنگ می کند که امور در جریان اصلی خود قرار می گیرد و هر کاری در جهت منافع مشروع انسان پیش می رود. در آیات قرآن مجید، به ویژه در تاریخ انبیاء صفت توکل به عنوان یکی از بارزترین صفات آنها در طول تاریخ مشاهده می شود.

اگر انسان در راه رسیدن به مقصود در عالم ماده، بر خداوند سبحان توکل داشته باشد اراده اش قوی و عزمش راسخ می گردد و موانع و مزاحمت روحی در برابر آن خنثی خواهد شد؛ زیرا انسان در مقام توکل، با مسبب الاسباب (که غالب بر همه اسباب است) پیوند می خورد و با چنین پیوندی دیگر جایی برای نگرانی و تشویش خاطر باقی نمی ماند و با قاطعیت با موانع دست و پنجه نرم می کند تا به مقصود برسد.

آثار و نتایج توکل عبارتند از: انسانی که پشتوانه خود را خدای قادر و دانای حکیم و مهربان بداند با عزمی راسخ در برابر مشکلات می ایستد، و کسی که به خدا اعتماد کرده باشد، چون خود را در حضور خدا می بیند، از انجام گناه احساس شرم می کند. هر کس بر خدا توکل کند زندگیش به راحتی و آسایش گذرد، و همچنین توکل دارای آثار و برکاتی چون شجاعت سخاوتمندی، بلند همتی و... می باشد که در آیات و روایات متعدد به آنها اشاره گردیده است

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اسحاقی، حسین، **ملکوت اخلاق: کلگشتی در جلوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله**، تهران، مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۵

۲. انصاری، خواجه عبدالله، **شرح منازل السائرین**، قم، بیدار، چاپ سوم، ۱۳۸۵

۳. انصاریان، حسین، **زیبایی های اخلاق**، قم، دارالعرفان، چاپ سوم، ۱۳۸۶

۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **شرح غرر الحکم و درر الکلم**، مترجم: جمال الدین محمد خوانساری، تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۰

۵. حائری (یزدی)، محمدحسن، **آشنایی با اخلاق اسلامی**، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷

۶. دیلمی، حسن بن محمد، **ارشادالقلوب**، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۳۷۱

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸

۸. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مترجم: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی؛ تهران، رجا، ۱۳۶۷

۹. غزالی، محمد بن محمد، **احیاء علوم الدین**، مترجم: مویدالدین محمد خوارزمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱

۱۰. فعالی، محمدتقی، **اسرار عرفانی حج**، تهران، مشعر، ۱۳۸۶

۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق

۱۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱

۱۳. محمدی اشتهازی، محمد، **داستان ها و پندها**، تهران، پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۹۲
۱۴. -----، **داستانهای شنیدنی از فتح مکه و جنگ حنین**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **اخلاق در قرآن**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۶. مصطفوی، حسین، **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵
۱۷. ملازاده تقی پور، علیرضا، **تقدیرات**، مشهد، استوار، ۱۴۰۲
۱۸. منتظری، حسینعلی، **درسهایی از نهج البلاغه**، تهران، سرایی، ۱۳۹۵
۱۹. مهدوی کنی، محمدرضا، **اخلاق عملی**، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، ۱۳۸۹
۲۰. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت-لبنان، موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۱ق
۲۱. واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، **دانستنی های رمضان (نسخه ۲)**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸
۲۲. واحد تحقیقات موسسه فرهنگی هنری جام طهور، **دائرة المعارف طهور: اصول عقاید**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۵
۲۳. هاشم زاده، مهدی، **شرح وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابوذر (علیه السلام)**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
۲۴. هوازن قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، **ترجمه رساله قشیریه**، مترجم: ابوعلی محمدبن احمد عثمانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۹